

# سیاست خاورمیانه‌ای جرج بوش در برابر اسرائیل و فلسطینیان قبل و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر

مجتبی امینی طامه

## چکیده

این پژوهش درصدد این است تا با مروری بر مواضع و دیدگاه‌های جرج بوش در برابر روند صلح خاورمیانه به ارزیابی سیاست‌های امریکا در طول ریاست جمهوری چهارساله حزب جمهوریخواه بپردازد. فرضیه اصلی پژوهش این است که علی‌رغم انتقاد جرج بوش از سیاست‌های مداخله‌گرایانه کلینتون در برابر روند صلح میان اسرائیل و فلسطینیان در زمان نامزدی ریاست جمهوری، سیاست خارجی امریکا به سبب بروز حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ از سمتگیری عدم مداخله به مداخله تهاجمی تغییر یافت. برای اثبات فرضیه با مفروض گرفتن تعاملات پیچیده میان یهودیت، صهیونیست و جامعه امریکا و همچنین تأثیر این تعامل بر روند سیاستگذاری خارجی امریکا به ارزیابی مواضع و اقدامات رئیس جمهوری ایالات متحده در برابر روند صلح می‌پردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** یازدهم سپتامبر، سیاست خاورمیانه‌ای امریکا، تروریسم، دکترین بوش، نقشه راه

## مقدمه

از زمان اعلام نامزدی جرج بوش تا پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۲۰۰۰ اسرائیل و فلسطینیان به عنوان طرفین اصلی مناقشه خاورمیانه دیدگاه یکسانی

درباره نتایج انتخابات امریکا نداشتند. اظهارات بوش در دوران مبارزات ریاست جمهوری خود در کنفرانس آپک مبني بر انتقال سریع سفارت امریکا به بیت‌المقدس،<sup>(۱)</sup> که در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون چندین بار به تعویق افتاده بود از يك سو و احتمال انتصاب شخصیتهای یهودی همچون ریچارد ماس، مارک گرامن، رابرت سات لاف و استیفن گلداسمیت در دولت بوش از سوی دیگر، مقامات اسرائیلی را متقاعد کرده بود که پیروزی بوش بر سیاستهای دولت واشنگتن نسبت به اسرائیل تأثیری ندارد. به همین دلیل ایهود باراک نخست‌وزیر وقت اسرائیل در واکنش به این انتخابات گفت از نظر اسرائیل فرقی نمی‌کند که کدام يك از دو نامزد جمهوریخواهان یا دموکراتها رئیس‌جمهور امریکا شود؛ چرا که هر دو سیاستهای قبلی امریکا را نسبت به اسرائیل ادامه خواهند داد و هیچ تغییری در مواضع این کشور در برابر اسرائیل ایجاد نخواهد شد. همچنین شلوموین آمی سرپرست وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در مورد تأثیرگذاری انتخابات ریاست جمهوری امریکا بر سیاستهای دولت واشنگتن نسبت به اسرائیل در مصاحبه با رادیو اسرائیل اظهار داشت: «تردیدی ندارم که حمایت از اسرائیل در امریکا عمومیت دارد و این مسأله به تعهدات اخلاقی امریکا در برابر اسرائیل بازمی‌گردد».<sup>(۲)</sup> در برابر این دیدگاه، فلسطینیان بیشتر به پیروزی بوش و موفقیت وی در انتخابات ریاست جمهوری امریکا مایل بودند.<sup>(۳)</sup> در واقع معرفی يك یهودی به نام ژوزف لیبرمن به عنوان معاون نامزد

ریاست جمهوری حزب دموکرات و بیم فلسطینیان از اعمال فشار بیشتر امریکا در صورت پیروزی دموکراتها از یک سو و نارضایتی آنان از سیاستهای جانبدارانه کلینتون در برابر مذاکرات روند صلح، دلیل اصلی علاقه فلسطینیان به پیروزی جمهوریخواهان بود. به همین دلیل یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین پس از تعیین نتایج انتخابات امریکا ضمن خودداری از قبول پیشنهادهای جدید کلینتون برای ادامه مذاکرات صلح با اسرائیل، آن را به زمان ریاست جمهوری جرج بوش موکول کرد. با این حال، علی رغم دیدگاه متفاوت طرفین در برابر پیروزی جمهوریخواهان، پس از تعیین نتایج این انتخابات ایهود باراک ضمن صدور بیانیه‌ای که در آن به دوستی شجاعانه در روابط خاص میان ایالات متحده و اسرائیل اشاره شده بود، ابراز امیدواری کرد دولت جدید امریکا راه دولتهای قبلی را در کمک به ملل خاورمیانه از طریق تلاش برای پیشبرد روند صلح ادامه دهد. همچنین موشه کتساف رئیس جمهوری اسرائیل در نامه‌ای خطاب به بوش نوشت: «مطمئن هستم که در مدت زمامداری شما علائق خاص سنتی و دوستانه میان امریکا و اسرائیل حفظ و تقویت خواهد شد».<sup>(۴)</sup>

## مروری بر سیاست خاورمیانه‌ای بوش در برابر روند صلح، قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر

در سال ۲۰۰۰ جرج دبلیو بوش به عنوان نامزد ریاست جمهوری حزب جمهوریخواه ضمن

انتقاد از سیاستهای خاورمیانه‌ای کلینتون خواستار عدم دخالت امریکا در روند صلح میان اسرائیل و فلسطینیان و ایفای نقش به عنوان ناظر بی‌طرف شد. در همین راستا جرج بوش اعلام کرد نه تنها تمایل و علاقه‌ای به از سرگیری مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطینیان ندارد بلکه ترجیح می‌دهد حتی در صورت دخالت در روند صلح خاورمیانه این مذاکرات در بعد سوریه از سر گرفته شود.<sup>(۵)</sup> در واقع بوش قصد داشت ضمن خودداری از هرگونه دخالت در مناسبات طرفین به آنان اجازه دهد تا به تنهایی به توافق مورد نظر دست یابند.<sup>(۶)</sup> به همین دلیل نیز پس از پیروزی در انتخابات در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود در آستانه ورود به کاخ سفید ضمن تکرار اولویتهای قبلی خود در برابر خاورمیانه از رسیدگی به موضوع تهدیدات عراق ب‌جای مداخله در روند صلح خاورمیانه به عنوان اولویت سیاست خارجی خود سخن گفت. تأکید بوش بر مسأله عراق نشان می‌داد، رئیس‌جمهور امریکا به حل بحران فلسطین و اسرائیل علاقه چندانی ندارد و در راستای دستیابی به توافقی صلح طرفین به پیروی از کلینتون، گامهای چندانی برنخواهد داشت. بوش همچنین برای اجرای سیاستهای خاورمیانه‌ای خود در جبهه سوریه با تشکیل یک هیأت امریکایی مأمور حل اختلاف متشکل از کالین پاول وزیر امور خارجه، کوندلیزایس مشاور رئیس‌جمهوری در امنیت ملی و آدجرجیان سفیر سابق در دمشق، تمایل خود را برای حل اختلافات میان سوریه و اسرائیل به جای فلسطین و اسرائیل نشان داد. سیاست بی‌طرفانه

بوش در برابر روند صلح، مبنی بر عدم موضع‌گیری دولت امریکا که با علیه یکی از طرفین درگیر در مناقشه و بسنده کردن به توصیه طرفین برای پیشبرد مذاکرات صلح حتی علی‌رغم مخالفت اکثریت کنگره امریکا و ارسال نامه اعتراض‌آمیز ۳۰۰ نفر از این نمایندگان به وی همچنان ادامه یافت. در این نامه ۸۷ سناتور و ۲۰۹ نماینده مجلس از شخص رئیس‌جمهور خواسته بودند به «دلیل ادامه خشونت‌های انتفاضه الاقصی که از سوی فلسطینیان آغاز شده است در روابط خود با تشکیلات خودگردان تجدیدنظر کند» (۷) اما دولت بوش ضمن بی‌اعتنایی به این درخواست از نتایج کمیسیون تحقیق میچل که شش ماه قبل همزمان با تشکیل اجلاس شرم‌الشیخ تشکیل شده بود، استقبال کرد. نتیجه گزارش میچل از توقف فعالیت شهرک‌سازی به جای متهم کردن فلسطینیان به عنوان اصل اولیه برای توقف دور خشونت‌ها نام برده بود. در واقع در حالی که اسرائیل در تلاش بود مقامات واشنگتن را متقاعد سازد عامل اصلی تحریک خشونت، اقدامات طرف فلسطینی است و مسائل مربوط به شهرک‌های یهودی‌نشین تنها باید در میز مذاکرات مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد، (۸) جرج بوش با در نظر گرفتن اصل بی‌طرفی ضمن حمایت از گزارش میچل بر اجرای طرح ننت مبنی بر آغاز مصالحه قبل از توقف کامل درگیریها تأکید می‌کرد. بوش در تلاش برای جلب اعتماد طرف فلسطینی نسبت به اجرای طرح مذکور حاضر شد با ارسال نامه‌ای به پاول بر ضرورت تعویق انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به

بیت المقدس تأکید کند.<sup>(۹)</sup> اما واکنش کابینه اسرائیل در برابر این طرح مبني بر پذیرش آن، مشروط به اولویت توقف خشونتها از سوی فلسطینیان، ابتکار رئیس جمهور امریکا راباناکامی روبه‌رو کرد.<sup>(۱۰)</sup>

به دنبال بروز این سطح از اختلافات در دیدگاه طرفین، آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل عازم واشنگتن شد تا ضمن هشدار نسبت به پیامدهای احتمالی اجرای گزارش میچل، بوش را نسبت به توصیه خود مبني بر آغاز دوره مصالحه قبل از توقف کامل درگیریها به عنوان يك آتش بس ناپایدار منصرف سازد. در واقع به دنبال برقراری آتش‌بس موقت برقرار شده میان طرفین، اسرائیل مایل بود اقدامات اعتماد آفرین مطرح در طرح میچل پس از ایجاد يك دوره آرامش و مصالحه چند هفته‌ای به اجرا گذاشته شود در حالی که امریکا اصرار داشت با سرعت بخشیدن به اجرای طرح، شروع دوره مصالحه را همزمان با کاهش چشمگیر خشونت و نه توقف کامل آن آغاز کند.<sup>(۱۱)</sup> با این حال خودداری رژیم صهیونیستی در پیروی از دیدگاه‌ها و توصیه‌های دولت بوش باعث نقض سیاست بی‌طرفی و عدم مداخله امریکا در برقراری صلح میان طرفین شد تا آنجا حتی پس از برگزاری نشست جنووا در خصوص کارشکنی رژیم صهیونیستی در پذیرش ناظران بین‌المللی سختگوي امریکا تنها به این اظهار نظر بسنده کرد که واشنگتن ضمن ادامه تماسهای خود با اسرائیل با طرفین درگیر صحبت خواهد کرد.<sup>(۱۲)</sup> اما تنها يك هفته بعد از این اظهارات به دنبال حمله اسرائیل به اماکن فلسطینی و پایگاه‌های حماس و موضعگیری شدید

ایالات متحده در برابر این تهاجم، شارون در نامه‌ای خطاب به بوش نوشت: «هرچند در اولین ملاقات با شما به عنوان رهبر دو کشور توافقنامه‌ای مبنی بر عدم اجرای اقدامات غافلگیرکننده منعقد شد، سیاست بی‌طرفی شما، سیاست خویشتن‌داری اسرائیل را غیرمنطقی و تداوم آن را امکان‌ناپذیر ساخته است».<sup>(۱۳)</sup> در واقع نارضایتی اسرائیل نسبت به سیاست بی‌طرفانه آمریکا تا بدان جا بود که شارون ضمن طرح ادعای شکست سیاست بی‌طرفی آمریکا دلیل آن را ناممکن بودن توقع از اسرائیل برای خویشتن‌داری نسبت به حق دفاع از خود اعلام کرد. وی همچنین ضمن اشاره به عدم حمایت آمریکا از اسرائیل به عنوان عامل تحریک فلسطینیان به ادامه انتفاضه و ابراز تأسف از بیانیه اخیر دولت بوش، خواستار اصلاح سیاسی در سیاست‌های آمریکا شد. درخواست شارون از بوش مبنی بر اصلاح دیپلماسی آمریکا در واقع به معنای مخالفت با بی‌طرفی آمریکا نبود بلکه اسرائیل مایل بود این بی‌طرفی به گونه‌ای تفسیر شود که در صورت تشدید سرکوب فلسطینیان از سوی آنان بیانیه‌ای از سوی کاخ سفید علیه آنان صادر شود در حالی که از دیدگاه بوش، سیاست بی‌طرفانه آمریکا با تأکید بر خویشتن‌داری طرفین مناقشه‌بویژه طرف اسرائیلی همراه بود. به همین دلیل نیز شارون در انتهای نامه ارسالی خود ضمن اشاره به پیامد عدم حمایت دیپلماتیک آمریکا از اسرائیل تهدید کرد در صورت ادامه تشویق فلسطینیان متأثر از انتقادات آمریکا نسبت به اقدامات اسرائیل، منطقی‌ترین راه در پیروی از

سیاست خویشن‌داری تحلیل می‌رود. (۱۴) با این حال علی‌رغم فشارهای بین‌المللی در راستای مداخله امریکا برای توقف درگیری‌های طرفین از طریق ارسال ناظران صلح امریکایی و یا نیروهای حافظ صلح، دولت بوش از اجرای این درخواست به بهانه نقض سیاست بی‌طرفی و عدم مداخله سرباز زد. استدلال اصلی بوش این بود که اعزام ناظران و نیروهای صلح امریکایی به یوگسلاوی سابق به این دلیل نتیجه بخش بوده است که سالها پس از درگیری و خونریزی در آن کشور و خستگی طرفین، خود آنان مایل به دخالت شدند در حالی‌که این وضعیت هنوز در مورد مناقشه اسرائیل و فلسطینیان مصداق ندارد. (۱۵)

### خطمشی‌های کلی حاکم بر سیاست خارجی امریکا قبل و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر

سیاست خارجی امریکا از دهه ۱۹۹۰ بشدت متأثر از فروپاشی شوروی بود. امریکا اگرچه در جنگ سرد پیروز شده بود در واقع ستاره قطبی سیاست خارجی خود را از دست داده بود. در نبود کمونیسم به عنوان هسته اصلی سیاست خارجی امریکا هیچ یک از گروه‌های سیاسی چپ، لیبرال، محافظه کار، قادر به ارائه دیدگاهی جدید در مورد چگونگی برخورد امریکا با مسائل جهانی نبودند. نظم نوین جهانی بوش پدر بدلیلی برای این امر و سیاست‌های چند جانبه گرایانه و مشارکت استراتژیک دولت کلینتون نیز احیای انترناسیونالیسم لیبرال بود. اما در اواسط دهه ۱۹۹۰ زمینه‌های ظهور دیدگاه جدید و منسجمی در مورد سیاست خارجی



و نظامی امریکا ایجاد شد. این دیدگاه که آمیزه‌ای از دیدگاه سنتی محافظه‌کاران اجتماعی، حامیان مجموعه‌های نظامی و صفتی و نئو محافظه‌کاران بود، پروژه امریکایی قرن جدید موسوم به پناک PNAC را پیگیری می‌کرد. (۱۶)

ایده این مجموعه این بود که امریکا برای خروج از سرگردانی ناشی از جنگ سرد باید به قدرت بینظیر خود متوسل شده؛ و موانع این راه را برطرف کند. بر همین مبنا انتقاد از سیاست‌های چندجانبه‌گرایانه دولت کلینتون از سوی این گروه آغاز شد. در پس این انتقادات یک واقعیت وجود داشت و آن وضعیت پارادوکسیکال ایجاد شده برای قدرت امریکا بود. در حالی که امریکا از لحاظ اقتصادی و خصوصاً نظامی قدرت برتر بود ولی به دلیل فضای نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد قادر به استفاده از این قدرت در راستای تبدیل شدن به ابرقدرت نبود. تحت تأثیر همین فضا بود که حتی روی کار آمدن جرج بوش نه تنها نتوانست در سیاست خارجی امریکا تحول ایجاد کند بلکه سیاست خارجی وی را به سمت سرگردانی سوق داده بود. (۱۷) حادثه ۱۱ سپتامبر پایان دوره گذار در نظام بین‌المللی و در نتیجه سیاست خارجی امریکا بود. این حادثه با خلق و ایجاد دشمن جدیدی به نام تروریسم زمینی را برای بهره‌برداری امریکا از این دشمن و در نتیجه مداخله در نظام بین‌الملل فراهم کرد. اما نکته جالب توجه این بود که اگر در دوران جنگ سرد، شوروی و اقمار آن به عنوان دشمن به سیاست خارجی امریکا جهت می‌داد، این

بار خاورمیانه این نقش را ایفا کرد. (۱۸) در واقع این حادثه، زمینه پیاده کردن اهداف پروژه امریکای قرن جدید بود. اکنون مطابق دکترین بوش، تروریسم ماهیت جهانی دارد و حضور فعال امریکا در مناقشات حساس منطقه‌ای خاورمیانه مانع از تأثیرگذاری پیامدهای این درگیریها در ایالات متحده خواهد شد. دولت بوش که دستکم بخشی از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را به دلیل استمرار منازعه اسرائیل و فلسطینیان تلقی می‌کرد در کوشش به منظور جلوگیری از تکرار حملاتی شبیه حمله مزبور تصمیم گرفت در مناسبات اسرائیل و فلسطینیان دخالت کند و سطح رایزنی‌های خود را درباره آن افزایش دهد. (۱۹) متاثر از دکترین جدید بوش، که به موجب آن استنباط مشترکی میان دولت وی و اسرائیل از تهدید تروریسم اسلامی در قالب القاعده با گروه‌های فلسطینی ایجاد شده بود و همچنین عوامل تأثیرگذاری همچون پیوند استراتژیک طرفین، توانایی لابی‌گری عوامل اسرائیل و رابطه محافظه‌کاران جدید با رژیم صهیونیستی، نقطه عطفی در مناسبات حزب حاکم جمهوریخواه امریکا با اسرائیل پدید آمد.

### **سیاست خاورمیانه‌ای بوش در برابر طرفین درگیر، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر**

پس از وقوع حوادث یازدهم سپتامبر و تصمیم ایالات متحده برای سرنگونی طالبان در افغانستان، زمینه مداخله امریکا در روند صلح فراهم شد. در واقع تلاش امریکا برای ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی علیه تروریسم و

لزوم حمایت اعراب باعث شد تنها يك ماه بعد از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر اخباری درباره طرح بوش در برابر روند صلح خاورمیانه منتشر شود. در همین راستا پس از دیدار بوش با ملك عبدالله ولیعهد عربستان و در پی آن، ارائه جزئیات این طرح توسط سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان با مقامات اردن، سوریه و مصر رئیس جمهور امریکا با حضور در جلسه اتحادیه عرب، که در ارتباط با ائتلاف ضدتروریستی تشکیل شده بود از ایده تشکیل دولت فلسطینی سخن گفت. (۲۰) اما تنها يك هفته پس از اینکه این اظهارات مورد استیسا در برابر رهبران عرب قرار گرفت، جرج بوش در يك کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید اعلام کرد موافقت وی با تشکیل دولت فلسطینی مشروط به برقراری صلح و امنیت برای اسرائیل است و به اعتمادسازی طرف فلسطینی بستگی دارد. وی همچنین با ابراز امیدواری نسبت به تدابیر یاسر عرفات رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین برای توقف موج خشونت‌ها عملاً مسئولیت ادامه درگیریها را به طرف فلسطینی نسبت داد. (۲۱)

همچنین در این کنفرانس رئیس جمهور امریکا از پاسخ به سؤالی در مورد دیدار و مذاکره با یاسر عرفات امتناع ورزید و آن را مشروط به نتایج احتمالی آن در پیشرفت روند صلح اعلام کرد. در واقع در حالی که انتظار می‌رفت پس از به تعویق افتادن اولین دیدار عرفات با بوش، که قرار بود در ماه سپتامبر برگزار شود، رئیس جمهور امریکا به زمان این ملاقات اشاره کند وی از ابراز هرگونه اظهار نظر در این‌باره خودداری، و تصمیم‌گیری درباره آن را

به آینده موکول کرد اما این دیدار به توصیه مقامات اسرائیلی در راستای انزوای رهبر فلسطینیان تا پایان دوران ریاست جمهوری امریکا محقق نشد. دو روز قبل از برگزاری مراسم افتتاحیه دور ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، جرج بوش ضمن تکرار ایده تشکیل کشور مستقل فلسطینی براساس قطعنامه سازمان ملل برای اولین بار اعلام کرد ایالات متحده با پایبندی نسبت به صلحی عادلانه در خاورمیانه تمام تلاش خود را برای بازگرداندن دو طرف به پای میز مذاکره به کار می‌گیرد. وی همچنین تأکید کرد صلح تنها زمانی برقرار می‌شود که تحریک به خشونت و توسل به ارباب و وحشت متوقف شود. در واکنش به سخن جانبداران بوش، دیوید عربی سفیر اسرائیل در واشنگتن ضمن استنرابر از این مواضع در مصاحبه با رادیو اسرائیل اظهار داشت: «بوش در واقع تمام مواضع اعلام شده از سوی اسرائیل بخصوص ضرورت مبارزه با تروریسم را پذیرفته است. تنها دو هفته پس از تبیین سیاست مداخله امریکا در روند صلح از سوی جرج بوش، هیأتی تحت رهبری کالین پاول وزیر امور خارجه امریکا برای برقراری صلح میان طرفین عازم اراضی اشغالی شد. همزمان با ورود این هیأت نیز جرج بوش با ارسال نامه‌هایی به پنج تن از سران عرب از آنان درخواست کرد تا از هیچ اقدامی در جهت پایان دادن به خشونت‌ها و برقراری صلح فروگذار نکنند. (۲۲)

با این حال تلاش میانجیگران امریکایی در راستای اجرای طرح میچل مبنی بر رعایت دوره آرامش و نه پایان یافتن کامل خشونت‌ها به

عنوان پیش شرط آغاز مذاکرات ناکام ماند. دلیل اصلی شکست این مأموریت درخواست جدید شارون مبنی بر تعیین ضرب‌الاجل ۷ روزه‌ای بود که در آن برقراری آرامش کامل از سوی طرف فلسطینی تضمین می‌شود پس از این ناکامی آریل شارون برای ملاقات با رئیس‌جمهور امریکا راهی واشنگتن شد اما هنوز ملاقات طرفین صورت نگرفته بود که وقوع یک عملیات شهادت‌طلبانه در اراضی اشغالی باعث تأخیر برنامه دیدار و صدور بیانیه‌ای از جانب بوش شد. بوش در این بیانیه تصریح کرد ضمن محکوم کردن هر عملیاتی که به ریخته شدن خون افراد بیگناه در اسرائیل منجر شود از یاسر عرفات می‌خواهم تمام تلاش خود را برای دستگیری کسانی که دست خود را به خون اسرائیلی‌ها آلوده کرده‌اند به کار گیرد. بوش در ملاقات با شارون ضمن تأیید نظر شارون مبنی بر اینکه یاسر عرفات نمی‌تواند شریک واقعی صلح با اسرائیل باشد به مقامات تل‌آویو اجازه داد شخصاً علیه سازمانهای مبارز فلسطینی وارد عمل شوند. (۲۳) بوش همچنین در واکنش به قبول مسئولیت این عملیات شهادت‌طلبانه از سوی حماس در سخنرانی خود یک روز پس از ملاقات با شارون، حماس را یک سازمان تروریستی معرفی کرد و از بلوکه کردن اموال آن به عنوان واکنشی به اقدامات تروریستی حماس اعلام کرد. سیاست مداخله‌گرایانه بوش برای پیشبرد روند صلح با تمایل جانبداری از اسرائیل در سخنرانی ۲۴ ژوئن ۲۰۰۲ مطرح شد. بوش در این سخنرانی آشکارا از فلسطینیان درخواست کرد رهبران جدیدی انتخاب کنند که ضمن مبارزه با

تروریسم به اصلاحات اساسی نیز پایبند باشند تا امکان تأسیس دولت فلسطینی تا سال ۲۰۰۵ میلادی فراهم شود.<sup>(۲۴)</sup> وی با اعلام این مطلب که انسانیت به ما حکم می‌کند که اوضاع خاورمیانه را تغییر داده، به زندگی در وحشت و تحت فساد سیاسی فلسطینیان پایان دهیم اظهار داشت که تحولات کنونی نه تنها آرزوی بهروزی را بر نمی‌انگیزد بلکه شهروندان اسرائیلی را قربانی تروریستها خواهد کرد. این امر اسرائیل را به دفاع از خویشتن واداشته و نتیجه آن وخیم‌تر شدن وضعیت مردم فلسطین است. بوش همچنین افزود دولتهای عرب برای استقرار صلح باید سطح روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل عادی سازند و در راستای ارتقای روابط گام بردارند. وی افزود در این صورت اسرائیل در راستای برقراری صلح به مرزهای قبل از ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ عقب‌نشینی می‌کند و از ادامه شهرک‌سازی در مناطق اشغالی آن‌گونه که در کمیسیون میچل اشاره شد صرف نظر می‌کند. وی همچنین متعهد شد در صورت ظهور مؤسسات و رهبری جدید فلسطینی و ایجاد امنیت برای اسرائیل، کشور مستقل فلسطینی تا سه سال آینده تشکیل شود. اما تحولات بعدی نشان داد این طرح در راستای توقف انتفاضه عملاً منافع اسرائیل را در نظر گرفته است. در این مقطع نیروهای ارتش اسرائیلی با استقرار مجدد در اراضی تحت کنترل حکومت خودگردان به تصرف کامل ادارات دولتی فلسطینیان اقدام کردند. همچنین مقر یاسر عرفات به عنوان رئیس این تشکیلات تحت محاصره این نیروها درآمد اما علی‌رغم واکنش شورایی

امنیت سازمان ملل برای صدور قطعنامه در راستای محکوم ساختن اقدامات اسرائیل، ایالات متحده نه تنها به آن رأی نداد بلکه از آن انتقاد کرد. ادامه سیاست‌های جانبداری آمریکا از اسرائیل به بهانه مداخله در روند صلح در قالب اصلاحیه‌های متعددی طرح نقشه راه پیگیری شد. مهمترین نکات مطرح شده در سخنرانی بوش در ماه ژوئن به عنوان مبنای تدوین نقشه راه حق اسرائیل در برخورداری از زندگی امن و مقابله طرف فلسطینی با تروریسم به عنوان شرط تحقق صلح، انتخاب رهبران جدید توسط مردم فلسطین، تدوین قانون اساسی جدید برای فلسطینیان و بازسازی سرویس‌های امنیتی فلسطینی‌ها در ازای صرف نظر کردن اسرائیل از شهرک‌سازی، پایان اشغال اراضی ۱۹۶۷ و تأسیس کشور مستقل فلسطینی بود.<sup>(۲۵)</sup> که در کلیات طرح نقشه راه بدان اشاره شده بود.<sup>(۲۶)</sup> خبرگزاری فرانسه در تحلیلی درباره طرح موسوم به نقشه راه نوشت عملی شدن این طرح و از سرگیری گفتگوهای صلح فلسطین بیش از اینکه برای فلسطین و ساکنان اراضی اشغالی مفید واقع شود به نفع بوش رئیس‌جمهور آمریکا و شارون نخست‌وزیر اسرائیل است تا صرف‌نظر از تضمین پیروزی هرکدام از آنان در انتخابات، بوش و شارون را به قهرمان ملی تبدیل کند.<sup>(۲۷)</sup> بهر حال پس از اصلاحیه‌های متعدد بر پیش‌نویس نقشه راه در راستای جلب نظر اسرائیل از سوی آمریکا و پذیرش این طرح در ۲۳ می ۲۰۰۳ از سوی شارون، جورج بوش به خاورمیانه سفر کرد تا پس از ملاقات با رهبران عرب در نشست مشترکی که با حضور

ابومازل، نخست وزیر منتخب فلسطینیان و شارون برای پیشبرد دکترین نوین سیاست خارجی امریکا برای حل معضل اسرائیل در قالب نقشه راه تشکیل شده بود، حضور یابد. (۲۸) بوش در این نشست ضمن اشاره به دوستی عمیق امریکا و اسرائیل از زمان تأسیس این کشور و تعهد امریکا به حفظ امنیت اسرائیل از تغییرات اساسی امیدوار کننده در خاورمیانه سخن گفت که از طریق برپایی نهادهای دموکراتیک فلسطین و در نتیجه ریشه‌کنی ترور محقق می‌شود. وی پس از اشاره به تعهد ابومازن به پیشبرد روند دموکراسی در نهادهای فلسطینی و متوقف کردن انتفاضه اظهار داشت از پاول و کاندلیزا رایس خواسته‌ام مسأله دستیابی به صلح را در زمره ضروری‌ترین وظایف خود قرار دهند. علی‌رغم طرح این اظهارات، بوش در هشتمین دیدار با شارون که تنها دو ماه بعد از اجلاس عقبه صورت گرفت علی‌رغم اجماع نظر بین‌المللی بر جلوگیری از احداث دیوار حائل به عنوان یکی از موانع اصلی روند صلح از احداث آن حمایت کرد. با این حال پس از ناکامی امریکا و اسرائیل در توقف انتفاضه الاقصی و طرح عقب‌نشینی یکجانبه شارون از غزه، بوش ضمن حمایت از این طرح، آن را در راستای تحقق صلح و امنیت ارزیابی کرد و به این ترتیب چنانچه تریه‌ترین موضعگیری بوش در برابر روند صلح در اواسط آوریل ۲۰۰۴ و پس از دهمین دیدار بوش و شارون در کاخ سفید محقق شد. در این موضعگیری، وی ضمن اشاره به عدم امکان بازگشت فلسطینیان به مرزهای ۱۹۴۸ به دلیل واقعیت‌هایی همچون مراکز جمعیتی در



اسرائیل از عدم امکان تحقق ایده بازگشت آوارگان فلسطینی سخن گفت. (۲۹) این سطح از جانبداری صرف‌نظر از روبه‌رو شدن با مخالفت صریح گروه‌های فلسطینی همچون فتح، حماس و جهاد اسلامی با واکنش نمایندگان مجلس اسرائیل نیز روبه‌رو شد. در نامه ارسالی اعضای حزب دموکراتیک ملی اسرائیل خطاب به بوش آمده است موضع‌گیری جدید بوش صرف‌نظر از نقض نقشه راه و نادیده گرفتن حق بازگشت آوارگان فلسطین باعث استمرار شهرک‌نشینی یهودیان و در نتیجه متزلزل شدن اساس مذاکرات صلح خواهد بود. اما بوش ضمن خودداری از واکنش به این انتقادات در نهایت در مصاحبه با روزنامه الاهرام از افزایش ادامه ناآرامی‌ها تا از سوی طرف فلسطینی به عنوان مانعی در راستای تأسیس این دولت در سال ۲۰۰۵ یاد کرد. طرح این اظهارات بیانگر ناکامی یا عدول بوش از تعهدات قبلی خود بود.

## نتیجه

هر چند حادثه ۱۱ سپتامبر، پایان دوره گذار در نظام بین‌المللی و تحول در عرصه سیاست خارجی امریکا بود از منظر داخلی این حادثه در عمل باعث قدرتمندتر شدن جایگاه نئومحافظه‌کاران در دولت بوش شد که ریشه فکری آنان مبتنی بر حمایت صریح و جانبدارانه از اسرائیل به دوران ریگان می‌رسید. نئومحافظه‌کاران با بهانه قرار دادن مبارزه با تروریسم نه تنها می‌توانند با بهانه قرار دادن مبارزه با تروریسم از قدرت ایالات متحده و مخصوصاً قدرت نظامی آن در جهان بهره

ببرند و از این طریق، مشکلات فراروی امریکا راحل کنند بلکه از سوی دیگر با انتخابات خاورمیانه به عنوان توجیه کننده اقدامات امریکا الگویی مشابهی از رفتار اسرائیل با «تروریستهای فلسطینی» برای ایالات متحده تعریف کنند. مشاوران نئومحافظه‌کار جرج بوش به بهانه عملیات انتحاری صورت گرفته در امریکا ضمن تجویز استراتژی تفوق از یکجانبه‌گرایی به عنوان تنها ضامن حفظ و افزایش قدرت امریکا یاد کردند تا از این طریق نزدیکی این کشور به متحدان نزدیک خود (بویژه اسرائیل) امکان‌پذیر شود. (۳۰) براساس دکتترین جدید بوش متأثر از آرای محافظه‌کاران جدید از آنجا که حادثه ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد ماهیت خطراتی که امنیت ملی ایالات متحده امریکا را تهدید می‌کند، اساساً متحول شده است، ایالات متحده نیز ناگزیر به تطبیق سیاستهای خود در رویارویی با این تهدیدات است. (۳۱)

از نظر این دکتترین به دلیل ماهیت جهانی تروریسم از یکسو و منافع قدرت و حضور جهانی دولت امریکا از سوی دیگر، ایالات متحده باید متحدان منطقه‌ای خود را تشویق کند تا تلاشهای خود را برای نابودی تروریسم هماهنگ سازد. (۳۲) در واقع از این دیدگاه یکی از ضروریات مبارزه با تروریسم این است که امریکا با کنارگیری از سیاست عدم مداخله بطور فعال وارد مناقشات حساس منطقه‌ای شود تا از این طریق مانع از آن گردد که این درگیریها بطور انفجار آمیزی تشدید، و نهایتاً پیامدهای سوء آن متوجه ایالات متحده

شود. (۳۳) مهمترین مناقشه حساس منطقه‌ای که می‌توانست نقش بسزایی در پیشبرد دکترین بوش داشته باشد، ادامه درگیری اسرائیل و فلسطینیان بود. بنابراین متأثر از دکترین نئومحافظه‌کارانه بوش مبنی بر استنباط مشترک امریکا و اسرائیل از خطر تروریسم اسلامی در قالب القاعده با گروه‌های فلسطینی زمینه برای جانبداری صریح ایالات متحده از رژیم صهیونیستی ایجاد شد.

#### یادداشتها

- ۱- لازم به ذکر است که طرح انتقال سفارت امریکا به بیت‌المقدس در سال ۱۹۹۵ توسط نمایندگان کنگره تصویب شد که به موجب آن دولت امریکا باید تا ۳۱ مارس ۱۹۹۹ آن را اجرا می‌کرد، لیکن کلینتون به دلیل ترس از احتمال توقف مذاکرات از اجرای آن سرباز زد (WWW. Jta. Org (2000/1/28).
- ۲- رادیو اسرائیل ۲۰۰۰/۱۱/۷.
- ۳- رادیو اسرائیل ۲۰۰۰/۱۱/۸.
- 4- WWW. Jerusalem post. Com (2001/12/5).
- 5- WWW. Jerusalem post. Com. (2001/1/7).
- ۶- القدس العربي به نقل از یدیعوت احرونوت (۳/۱۱/۱۳۷۹ - ۲۳/۱/۲۰۰۱).
- 7- WWW. Haaretz. Com 2001/4/9.
- 8- WWW Haaretz. Com 2001/6/12.
- 9- WWW. Jerusalem post. Com. 2003/6/13.
- 10- WWW. Haaretz 2001/4/9.
- 11- WWW. Haaretz. Com 2001/6/26.
- ۱۲- الاهرام ۲۰۰۱/۷/۲۵.
- 13- WWW. Jerusalem post. Com 2001/8/2.
- 14- WWW. Haaretz. Com 2001/8/8.
- 15- Ibid.
- 16- Borry Tom "The u.s Bower complex: What new" Foreign policy in focus November 2002.
- ۱۷- قهرمانپور، رحمان، استراتژی امریکا در خاورمیانه و روند یکجانبه‌گرایی در نظام بین‌المللی، کتاب امریکا ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرابر معاصر، تهران مهر ۱۳۸۲، ص ۱۷.
- ۱۸- همان، ص ۲۵.
- ۱۹- بی‌بی‌سی مصاحبه با کارشناسان ۱۱/۷/۱۳۸۰.
- 20- WWW. Haaretz. Com 2001/10/4.
- 21- WWW. Jerusalem post. Com 2001/11/25.
- ۲۲- الشرق الاوسط ۲۰۰۱/۱۲/۴.
- ۲۳- الشرق الاوسط ۲۰۰۱/۱۲/۴.

24- WWW. Jta. Org 2002/6/24.

25- WWW. Haaretz. Com. 2003/6/24.

۲۶- برای اطلاع از مفاد نقشه راه ر.ك نقشه راه طرحی براساس دو کشور فلسطین - اسرائیل، روزنامه همشهری ۱۳۸۲/۳/۳.

۲۷- خبرگزاری فرانسه به نقل از سیاست بازتاب ۱۳۸۲/۲/۲۲.

۲۸- یونسین، مجید «نشست مشترک بوش - ابومازن و شارون، تأثیرها و پیامدها» گزیده تحولات جهان شماره ۱۵ ص ۱۴۸-۱۴۷.

29- WWW. Haaretz. Com 2004/4/15.

30- Ihen berry, John survive No 4. Winter 2001 P 29.

۳۱- جرج بوش درباره این تحولات طی یک سخنرانی در دانشگاه وست پوینت گفت: در چند دهه گذشته امریکا براساس دکترین نظامی جنگ سرد و به بازدارندگی و مهار استوار بوده، در مواردی این راهبرد کارایی خود را نشان داد. اما رویارویی با تهدیدات تازه به تفکر و اندیشه‌های نوین نیاز دارد ر.ك به گزیده تحولات جهان شماره ۵ مقاله ضربه نخست نوشته امیرعلی ابوالفتح.

۳۲- طارمی، کامران، تحلیلی بر اهداف و ابزار دکترین بوش در مبارزه با تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی، کتاب امریکا ص ۹۲-۹۱.

33- The National security strategy of the united state of America September 2002 (www white house jor/nss. Html).

